

«عیسای کتاب مقدس»

« و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، و به آواز بلند می‌گوید: «از خدا بترسید و او را تمجید نمایید، زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید، پرستش کنید.» (مکاشفه ۱۴: ۶-۷)

در بیست و شش سالی که افتخار خدمت خداوند را داشته‌ام، در کشورها و شهرهای بسیاری، کلام بی‌نظیر خدا را اعلام کرده‌ام. خدا در بسیاری از کلیساها و فرقه‌های مختلف و از طرق گوناگون، درهایی را گشود تا کلام خدا را اعلام نمایم.

یک چیز در این مدت باعث شگفتی من بوده و هست ک فرقه‌ها و خادمانی که مدعی موعظه کلام هستند، چرا در مقابل اعلام کلام خدا واکنش منفی نشان می‌دهند؟!

در موارد متعدد، وقتی آیه‌ای از کلام خدا بر ضد تعالیم این افراد سر بر می‌آورد، اینها به جای اینکه آن آیه را به سادگی و روشنی که دارد پذیرا شوند، می‌کوشند تا به نحوی آن آیه را زیر سوال ببرند و یا تفسیرهای شگفت‌انگیز از آن آیات به دست می‌دهند.

هنگامی که «شاهدان یهوه» با آیاتی برخورد می‌کنند که مسیح، خدا خوانده شده است، به شدیدترین وجهی با آن برخورد می‌کنند

تا جایی که حتی قادر هستند دست به تحریف کلام بزنند یا مدعی شوند که چیزی جا افتاده است. این گروه هنگامی که با اعتراف توما در حضور خداوند که می‌گوید:

«توما گفت: «ای خداوند من و ای خدای من.» (انجیل یوحنا ۲۰: ۲۶)

رو به رو می‌شوند، می‌کوشند با ترفند و شیوه‌ای خاص، از این حقیقت عبور کنند مبدا الهیات آنها زیر سوال رود. چون بنیان تعالیم شاهدان یهوه بر «انکار الوهیت عیسی» است.

وقتی تئلیثی‌ها با آیاتی نظیر آلفا و اُمگا بودن مسیح مواجه می‌شوند، یا با آیهٔ مربوط به «اول و آخر» بودن عیسی مواجه می‌شوند؟

«من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم.» (مکاشفه ۲۲: ۱۳)

وارد سکوتی اسفناک می‌شوند زیرا پایهٔ تعلیمی این گروه بر این است که پسر، تولید ازلی یا «مولود ازلی» خداست. در حالی که «الف و یاء» نمی‌تواند مولود یا تولید ازلی باشد.

یا گروهی که خود را متاسفانه منتسب به برادر پُرانهام می‌دانند و اعتقاد دارند که الوهیت مسیح، وام گرفته از پدر است و مسیح تا سی سالگی الوهیت نداشته است. این گروه هنگامی که با آیاتی نظیر آیه زیر مورد پرسش قرار می‌گیرند، واکنشی منفی از خود بروز می‌دهند:

«امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد.» (لوقا ۲: ۱۱)

یعنی پیش از اینکه در روز هشتم از تولد این کودک، نام عیسی بر او گذارده شود، او مسیح بوده است یعنی مسح شده خدا.

«و چون روز هشتم، وقت ختنه طفل رسید، او را عیسی نام نهادند، چنانکه فرشته، قبل از قرار گرفتن او در رحم، او را نامیده بود.» (لوقا ۲: ۲۱)

لابد در باور و تعالیم این گروه، «مسیح خدا» هیچ پُری خاصی نداشته و مسیح، بی‌مسح بوده است!!

او از همان روز نخست، مطابق کتاب مقدس، مسیح بود و در روز هشتم، عیسی نام گرفت. اما پیش از اینکه عیسی نام گیرد، «مسیح خداوند» بود آمین.

به همین دلیل است که یوحنا تعمیددهنده علی‌رغم اینکه شش ماه از عیسی بزرگتر بود، تشخیص داد که عیسی پیش از او شده و بوده است چون عیسی، «خدای تن گرفته» یا «خدا در جسم» بود.

«و او آن است که بعد از من می‌آید، اما پیش از من شده است، که من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم.» (انجیل یوحنا ۱: ۲۷)

کلمه در سی سالگی جسم نشد، بلکه از همان زمانی که مریم، کلام را پذیرفت و قوت حضرت اعلی بر او سایه افکند:

«فرشته در جواب وی گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد.» (لوقا ۱: ۳۵)

به همین دلیل است که در سه پیشگویی اعظم در مورد مسیح، از طفلی که خداست سخن به میان آمده است.

(اشعیا ۷: ۱۴) از تولد عمانوییل از باکره صحبت می‌کند.

در (اشعیا ۹: ۵-۶) از طفلی که خدای قدیر و پدر سرمدی است صحبت شده است.

در (میکاه ۵: ۲) از کسی که از بیت‌الحم ظهور می‌کند صحبت شده است که طلوع‌های وی از قدیم و از ایام ازل می‌باشد.

این شخص پس از تعمید گرفتن در اردن، الوهیت نیافت بلکه از «بیت‌احم» الوهیت را داشت.

به همین دلیل است که مجوسیان در پیشگاه او به روی درافتاده و او را سجده و پرستش کردند:

«و به خانه درآمده، طفل را با مادرش مریم یافتند و به روی درافتاده، او را پرستش کردند و نخایر خود را گشوده، هدایای طلا و کُنُدر و مُرّ به وی گذرانیدند» (متا ۲: ۱۱)

قطعاً آن ستاره مافوق‌الطبیعه، این سه مجوسی مشرقی را برای کفرگویی به سوی این طفل هدایت نکرده بود. بلکه ستاره، این سه مجوسی را به سوی عمانوییل هدایت کرد. آمین.

پس چنانکه دیدیم، هر سه گروه یعنی پیروان تثلیث، شاهدان یهوه و نیز برادران کذب، درک ناقصی از «سرّ عظیم دینداری» دارند. سرّ عظیم دینداری این است «که خدا در جسم ظاهر شد». سرّ عظیم دینداری از ظاهر شخص دوم یا سوم تثلیث سخنی نمی‌گوید بلکه سرّ عظیم دینداری این است که: «خدا» در جسم ظاهر شد. به همین دلیل پیش از اینکه او در روز هشتم، عیسی نامیده شود، مسیح خداوند بود. آمین

اما تحقق نبوت (اشعیا ۹ : ۶)

«زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.»

نجات دهنده در این نبوت پنج لقب یا عنوان دارد:

1 - «سلطنت» بر دوش اوست یعنی پادشاه است.

در عهد جدید عیسی «پادشاه پادشاهان» نامیده شده است.

«ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که او رب‌الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امین‌اند.»
(مکاشفه ۱۷ : ۱۴)

پس نخستین نشانه این نجات دهنده، یعنی سلطنت، در عیسی مسیح و در عهد جدید دیده می‌شود.

2 - دومین نشانه او، مشاور شگفت‌انگیز یا «عجیب» بودن اوست. چون عیسی از طریق روح القدس ما را تعلیم، هدایت و مشورت می‌دهد. اگر عیسی و روح القدس، دو شخص متمایز باشند پس ما دو مشاور خواهیم داشت.

در حالی که «او» مشاور شگفت‌انگیز یا عجیب ماست. این لقب، «مختص» به خداست چون اوست که کارهای عجیب می‌کند.

اوست که در زمان داوران خود را به نام «عجیب» معرفی کرده بود:

«فرشته خداوند وی را گفت: «چرا درباره اسم من سؤال می‌کنی؟ چونکه آن **عجیب** است.» (داوران ۱۳: ۱۸)

این «**عجیب**»، با نبوت (اشعیا ۹: ۶) هم‌ریشه است.

آیا شک دارید که عیسی امروز هم مشاور شگفت‌انگیز ماست و ما را مشورت می‌دهد و هدایت می‌کند؟ اما چگونه؟ از طریق روحش که در ماست. آمین

3 - «ال‌گیبور» یا همان «خدای جنگاور»؛

اگر القاب و عناوین اول و دوم یعنی «پادشاه پادشاهان» و «مشاور شگفت‌انگیز» نتوانسته است شما را درباره «الوهیت مسیح» قانع کند، قطعاً لقب سوم باید شما را یاری نماید تا از دودلی و تردید بیرون آید.

چون لقب سوم می‌گوید که «نجات دهنده»، «ال‌گیبور» است یعنی خدای جنگاور. «ال» شکل کوتاه و مفرد «الوهیم» است. به همین دلیل در ترجمه‌ها، به «خدا» ترجمه و برگردان شده است. آمین.

اما ببینیم این آیه کجا تحقق می‌یابد؟

آیا نجات دهنده ما عیسی، همان «ال‌گیبور» است؟ پاسخ، یک آمین و بلی بزرگ و قاطع است.

در مکاشفه در مورد شخص عیسی این‌طور می‌خوانیم:

«و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید، و چشمانش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند. و جامه‌ای خون‌آلود در بر دارد و نام او را «کلمه خدا» می‌خوانند. و لشکرهایی که در آسمان‌اند، بر اسب‌های سفید و به کتان سفید و پاک ملبس از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین، حکمرانی خواهد نمود؛ و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد. و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب» (مکاشفه ۱۹: ۱۱-۱۶)

آیا می‌دانید یکی از اسامی جنگ «حارمگدون» چیست؟ دانستن آن مهم است چون کمک می‌کند تا نبوت (اشعیا ۹: ۶) را درک کنیم. پس با ما همراه باشید؛

کلام خدا اینطور می گوید:

«...تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق
فراهم آورند.» (مکاشفه ۱۶: ۱۴)

نبرد آخر که در (مکاشفه ۱۹) ذکر شده است، جنگ عظیم آن
روز خدای مطلق نامیده شده است. چون در این جنگ، بره یا
همان پادشاه پاشاهان، همان رب‌الارباب جنگ خواهد کرد و
تمام لشگرها پشت او حرکت خواهند کرد. آیا می‌توانید با بانگ
بلند آمین بگویید؟ آمین.

اما لقب چهارم که تمام دیوهای جهنمی بر آن می‌تازند چون به
ضد تعلیم تثلیث کلاسیک است؛

4 - «پدر سرمدی» یا «همیشه پدر» یا «پدر
ازلی» است.

عیسی در در بُعد الهی، همان پدر ازلی است. به همین دلیل
است که در (انجیل یوحنا ۱۴: ۷-۹) گفت:

«اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید و بعد از این او
را می‌شناسید و او را دیده‌اید.» فیلیپس به وی گفت: «ای آقا
پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.» عیسی بدو گفت:
«ای فیلیپس، در این مدت با شما بوده‌ام، آیا مرا نشناخته‌ای؟
کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی
پدر را به ما نشان ده؟» (انجیل یوحنا ۱۴: ۷-۹)

و باز می‌گوید که:

«و اشعیا نیز می‌گوید که «ریشهٔ یسّا خواهد بود و آنکه برای حکمرانی امت‌ها مبعوث شود، امید امت‌ها بر وی خواهد بود.» (رومیان ۱۵: ۱۲)

یسّا، پدر داوود بود و عیسی، ریشهٔ یسّا است. یعنی پدر یسّا است چون ریشهٔ هر کس، پدر اوست. و باز می‌گوید:

«من عیسی فرشتهٔ خود را فرستادم تا شما را در کلیساها بدین امور شهادت دهم. من ریشه و نسل داود و ستارهٔ درخشندهٔ صبح هستم.» (مکاشفه ۲۲: ۱۶)

عیسی در طبیعت بشری خود شاخهٔ داوود است اما در طبیعت الهی خود، ریشهٔ داوود است.

«پس چگونه می‌گویی پدر را بما نشان ده؟» آمین.

که پدران از آن ایشان‌اند و از ایشان مسیح به حسب جسم شد که فوق از همه است، خدای متبارک تا ابدالآباد، آمین. (رومیان ۹: ۵)

ریشهٔ داوود ریشهٔ همه ایمانداران راستین نیز هست.

اما لقب و عنوان پنجم مسیح

5 - «سرور سلامتی»

و «خدای سلامتی» با همهٔ شما باد، آمین. (رومیان ۱۵: ۳۳)

«خلاصه ای برادران شاد باشید؛ کامل شوید؛ تسلی پذیرید؛
یک رأی و با سلامتی بوده باشید و خدای محبت و سلامتی با
شما خواهد بود.» (دومقرننیاں ۱۳: ۱۱)

هر خواننده کتاب مقدس می‌داند که صاحب این القاب تنها یک
نفر است و این القاب مختص خداست.

سخن پایانی؛

او خداست. در ازل زاده نشد بلکه در زمین از یک باکره مولود
گردید. او «اول» است نه «شخص دوم تثلیث» چون گفت
«اول و آخر هستم». زایش او در زمین، یعنی در «امروز»
به وقوع پیوست نه در ازل. زیرا در ازل، او «آلفا» بود؛ پدر
سرمدی.

او «مخلوق اول» هم نیست. چون «خدای قدیر» است. او در
سی سالگی صاحب الوهیت نشد چون از همان لحظه تولد، مسیح
خداوند بود. آمین

ایرنبوس می‌گوید:

پسر بعد آشکار پدر است و پدر بعد پنهان پسر.

«سر دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد....» آمین

«که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی با کمال تحمل و تعلیم. زیرا ایامی می‌آید که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد، بلکه بر حسب شهوات خود خارش گوشها داشته، معلمان را بر خود فراهم خواهند آورد، و گوش‌های خود را از راستی برگردانیده، به سوی افسانه‌ها خواهند گزایید.» (دوم تیموتائوس ۴: ۲-۴)

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰

بهروز خانجانی